یادبود اسارت حاج احمد متوسلیان

ماجرای گریه کردن حاج احمد برای بسیجی ۱۷ ساله

جدی بود و نظامی بودن از جمله ویژگی‌های پررنگ شخصیت حاج احمد متوسلیان بود. راوی این خاطره حاج مجتبی عسگری است که بسیار شیوا آن را تعریف کرده و به نقل از فارس می خوانید.

***

هر پاسداری که وارد مریوان می‌شد دو شغل داشت. یک شغل رزمی و یک شغل بزمی. چون اداره شهر با بچه‌های سپاه بود. حاجی مرا مسئول شبکه بهداشت مریوان که بیمارستان مریـوان هم زیر مجموعه‌اش بود، قرار داد. اولین حرفی که به من زد گفت: مجتبی شـنیده‌ای که ضد انقلاب در سـنندج به بچه‌های زخمی، آمپول اشـتباهی تزریق می کنه و آنها را شهید می کنه؟

گفتم: بله.

گفت: اگر در این بیمارستان مریوان کسی به مجروح نرسد و نیروها شهید شوند، من سقف بیمارستان را روی سرت خراب می‌کنم، اگر مردش هستی بایست؟ گفتم: می‌ایستم.

من مسئول بهداشت مریوان شدم، یکی از بچه‌ها مسئول رادیو تلویزیون، یکی فرماندار و ... .

این شـغل بزمی‌مان بود. شـغل رزمی‌یمان هم مسئول تخریب و امدادگر عملیات بودم.

یـک روز به احمـد گفتم: می‌خواهم بـه مرخصی بروم. گفت: نمی‌شـود. گفتم: می‌خواهم ازدواج کنم. احمد در این قضیه خیلی با بچه‌ها راه می‌آمد. قبول کرد و گفت: چهار، پنج روز وقت داری بروی و برگردی. گفتم: نمی‌شود! فقط رفت و برگشتم به یزد ۴ روز طول می‌کشد. یعنی فقط یک روز آنجا باشم؟ گفت: برو و زود برگرد.

مرخصی‌ام ۲۰ روز طول کشید. احمد به من خیلی علاقه داشت. نه به خاطر اینکه من خوب بودم بلکه به خاطر همسرم به من احترام می‌گذاشت. به من و علی میرکیانی و سیف الله منتظری و بقیه متأهلین احترام خاصی می‌گذاشت.

مدتی بعد از اینکه ازدواج کردم، باز به مرخصی رفتم. وقتی به بیمارستان مریوان برگشتم سر ظهر بود و سفره پهن بود . بچه‌ها غذا می‌خوردند. غذا را که خوردیم درب اتاق باز شد و شـهید ممقانی وارد شد، گفت: مجتبی، برادر احمد با تو کار دارد. گفتم: مگر برادر احمد فهمیده که من از مرخصی آمده‌ام؟ گفت: حتما فهمیده که کارت دارد. من خیلی به خودم مغرور شدم برای اینکه احمد متوسلیان آمده مرا ببیند!

دویدم سمت درب بیمارستان. از کنار دیوار رفتم و همین کـه در راهرو پیچیدم و چنـد قدم آن طرف‌تر احمد را دیدم. چهره‌اش غضبناک بود. ترسـیدم؛ خواستم برگردم که حاجی گفت: کجا؟

او مسـائل شـرعی را خیلی رعایت می‌کـرد. هیچ وقت نتوانستم به او ابتدا سلام کنم، معمولا او پیش دستی می‌کرد. اما آن روز جواب سلام مرا هم نداد. یقه مرا گرفت و طوری مرا کشید بالا که روی پایم بلند شدم. خیلی پر زور بود.

گفتم: برادر احمد چه شده؟ یقه‌ام را ول کن. هیچ چیزی نگفت. شـروع کرد مرا در بخش بیمارستان به دنبال خودش کشیدن. دیدم دکترها و پرستارها ردیف ایستادند و نظاره گر این صحنه هستند. نفر آخر آنها هم همسرم ایستاده بود. معلوم بود قبل از این احمد در اینجا با دیگران دعواهایش را کرده بود.

ممقانی رئیس بیمارسـتان مریوان و من رئیس شـبکه بهداشت کل مریوان بودم. در همین گیر و دار تازه فهمیدم هر مشکلی که پیش آمده، ممقانی انداخته گردن من. به حاجی گفتم: برادر احمد همسرم اینجاست! هوای ما را داشته باش.

احمـد در فرماندهی‌اش جایی که بـه هدر رفتن نیروی انسانی و بیت المال در میان بود رو دربایستی با کسی نداشت.

برگشـت بهم گفت: همسرت اینجاسـت، چشمت کور. می‌خواستی درست کار کنی.

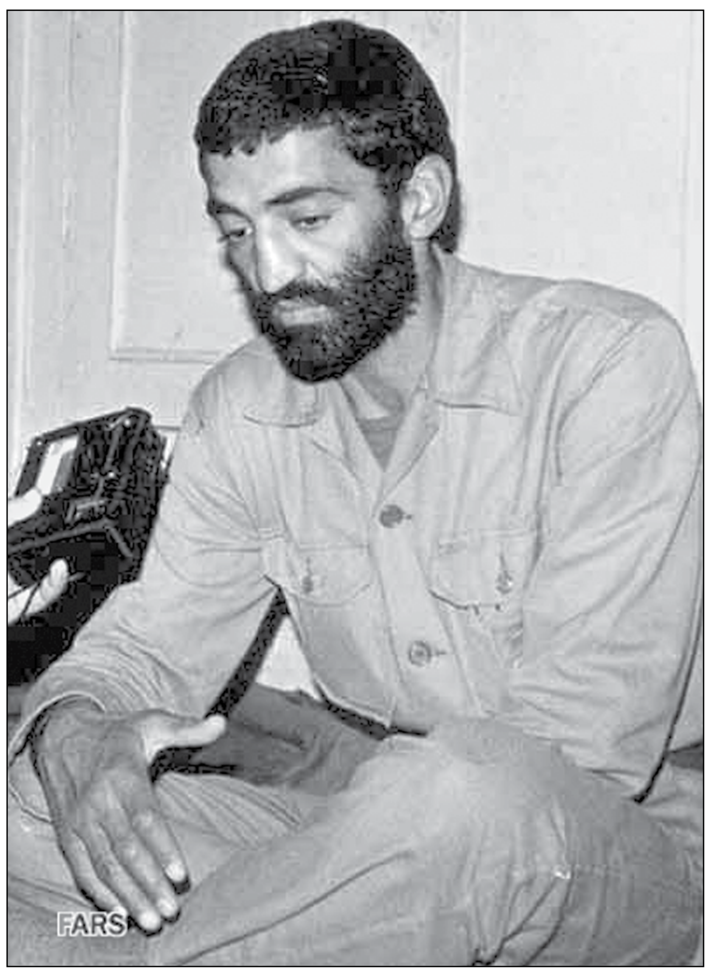

حاجی جایی که صحبت از بیت المال در میان بود، رعایت حال افراد را نمی‌کرد. البته آبروی کسی را هم نمی‌برد. آن روز با من خشن برخورد کرد. مرا به اتاقی برد و درب آنجا را باز کرد.

گفت: این چیسـت؟ دیدم یک جوان ۱۸- ۱۷ ساله روی تخت خوابیده و دست‌هایش خونی و زخمی است. تازه فهمیدم احمد از چه چیزی ناراحت اسـت. نگاه کردم و متوجه شـدم خون روی شـلوارش، برای الان نیست. لکه‌های خون حداقل برای دو یا سه روز پیش است.

گفتم: برادر احمد، این زخمی است.

گفت: من هم می‌دانم زخمی است.

حاجی رو کرد به آن رزمنده و اسم و مشخصاتش را پرسید. یادم هست آن رزمنده گفت که یک هفته است که مجروح شده.

حاجی ازش پرسید: چرا لباست را عوض نکردند؟ چطور غذا می‌خوری؟

رزمنده گفت: با دست.

حاجی پرسید: چرا دستت را تمیز نکردی؟

رزمنده گفت: خودم که چون پاهایم شکسـته نمی‌توانم، کسـی هم کمکم نکرده. آنجا بود که من یاد آن جمله احمد افتادم که گفت: اگر اتفاقی بیفتد سقف بیمارستان را روی سرت خراب می‌کنم. متوجه شدم اتفاق بدی افتاده، کارم قابل توجیه نبود. حقم بوده که جلوی همسـرم این رفتار را با من داشـته باشـد. این افکار در عرض ۲۰ ثانیه از ذهنم گذشـت. با خود گفتم وقتی قضیه را نمی‌دانسـتم با من آن طور برخورد کرد، حالا که خبردار شدم حتماً کتک خواهم خورد.

تصمیم گرفتم این طور جواب دهم که من رئیس شبکه بهداری هستم. بهداری ۱۰ بیمارستان، ۱۰ درمانگاه، ۳۰ شبکه روستایی دارد. رئیس بیمارستان و مسئول بخش دارد. مسئول بخـش کمک بهیـار دارد. کمک بهیار باید ایـن کار را بکند. آقای ممقانی، رئیس بیمارستان باید جواب بدهد، بیمارستان تشکیلات دارد.

خدا شـاهد است « کاف » تشکیلات هنوز در دهان من نچرخیده بـود که حاجی فهمید من چـه می‌خواهم بگویم. پشتش را به من کرد، فهمیدم دنبال چیزی می‌گردد و قرار است آن چیز به سر من بخورد. به محض اینکه چرخید و حواسش از من پرت شـد یواش یواش در اتاق را باز کردم. دیدم بچه‌ها پشت در، گوش ایستاده‌اند.

یادم نیست در از داخل باز می‌شد یا رو به بیرون، خلاصه بچه‌ها به بیرون اتاق یا داخل آن افتادند. پایم را رویشان گذاشتم و فرار کردم. بچه‌ها هم هرکدام به سـمتی فرار کردند. صدای حاجی را می‌شنیدیم که فریاد می‌زد: بایست.

داشـتم از بغل دیوار می‌دویدم، به پیچ راهرو که رسیدم دیدم یک چیزی به سرعت از کنار من رد شد و زوزوه کشان به دیـوار اصابت کرد. نگاه کردم دیدم یک چنگال بودکه محکم به دیوار خورده و گچ دیوار به زمین ریخت. اگر این چنگال به گردن من خورده بود کارم تمام بود. خلاصه به سـمت حیاط بیمارستان دویدم.

بچه‌هـا جلوی احمد را گرفتنـد. حاجی به من گفت: تو قول دادی در بیمارستان به مجروحان رسیدگی کنی، تو مرد نیستی، حرفت حرف نیست.

حق هم داشت. وقتی احمد عصبانی می‌شد در بین بچه‌ها به هم می‌گفتیم به اصطلاح آمپر چسـبانده. آمپر شـد صد، شد هشتاد، شد شـصت، شد چهل. وقتی به چهل می‌رسید، می‌دانستیم دیگر مشـکل ندارد و عصبانیتش فروکش کرده است. معذرت خواهی کردم و گفتم: دیگر این کار را نمی‌کنم. اما گفت :نه تو را ول نمی‌کنم. شب ساعت ۹ به سپاه بیا.

پیـش خودم گفتم باشـد تـو از اینجا برو، تا شـب خدا بزرگ است.

سر ساعت ۹ باید می‌رفتم مقر سپاه مریوان. ساعت هشت شـب به همسرم گفتم: پاشو با هم برویم. گفت: من نمی‌آیم، اگـر بیایم یک چیزی به تو می‌گوید و آن وقت ممکن اسـت من چیزی به او بگویم که بد باشـد، زشـت است من به برادر احمد چیزی بگویم.

گفتم: تو بیخود می‌کنی چیزی بگویی، دعوا که نداریم. من هم زیرک بودم می‌دانستم اگر خانمم باشد، برادر احمد اقدام آنچنانی نخواهد کرد. سـر ساعت۹ به اتاقش رفتیم. یک میز کوچک چوبی و یک صندلی داشت که پشت آن نشسته بود. من وارد اتاق شدم و کنارش رفتم. به فاصله ۱۰ ثانیه بعد هم همسرم وارد شد. قیافه احمد اخمو بود. یک دفعه که چشمش به خانمم افتاد گفت: چرا همسرت را همراه خودت آوردی؟

گفتم: یا وجیهاً عندالله اشفع لنا عندالله (بلا تشبیه) فضا عوض شد. البته از اول هم قصد برخورد نداشت. بعد بلند شد مرا در آغوش گرفت و گریه کرد و گفت پدر و مادر این رزمنده‌ها، آنها را به ما سپرده‌اند باید از آنها مواظبت کنیم.می‌گویند احمد خشن بود، احمد قاطع بود. خشونت طلب نبود. در دستورات نظامی خشـک بود. آن شب احمد از من و خانمم عذرخواهی کرد و گفت: مجتبی حقش بود، اما من هم تندروی کردم.

***هیچ وقت نتوانستم به او ابتدا سلام کنم، معمولا او پیش دستی می‌کرد. اما آن روز جواب سلام مرا هم نداد. یقه مرا گرفت و طوری مرا کشید بالا که روی پایم بلند شدم. خیلی پر زور بود.**

گفتم: برادر احمد چه شده؟ یقه‌ام را ول کن. هیچ چیزی نگفت. شروع کرد مرا در بخش بیمارستان به دنبال خودش کشیدن. دیدم دکترها و پرستارها ردیف ایستادند و نظاره گر این صحنه هستند. نفر آخر آنها هم همسرم ایستاده بود.

تلگرافچی پنج ستاره

نمی دانست که پاهایش را ازدست داده. از این طرف و آن طـرف داد می زدند: «آمبولانس، آمبولانس» اما او هیچ دردی احساس نمی کرد. همرزمانش گریه می کردند و کیسـه های شـن و خاک را از روی او کنار می زدند. باورشان نمی شد هنوز زنده باشد. چند دقیقه بعد او راهی بیمارستان بود و چند نفر بالای سرش دعا می خواندند.

«تلگرافچی پنج سـتاره» شـرح مبسوطی است از زندگی یکی از سـتوانیاران ارتش در رسـته ی بی سیم مخابرات. «سـاسـان ناطق» این بار به سـراغ «صابر قره داغلـو» رفته و خاطـرات او را از دوران کودکی، خدمت در رسـته ی مخابرات ارتش پیش از انقلاب، حضور در جبهه‌هـای درگیری در کردسـتان و دفـاع از مرزهای کشورمان درمقابل نیروهای عراقی، در قالب داستانی در ۵۵۴ صفحه نگاشته و توسط سوره مهر منتشر شده است.

داسـتان زندگی «تلگرافچی» با کودکی پرمخاطره اش در مدرسـه آغاز می شـود. نویسنده در بخش های آغازیـن کتاب از روزهایی حـرف می زند که صابر برای پرداخت شهریه ی مدرسه، مأمور معدل گیری و نوشتن کارنامه بچه ها می شود. خرج خانواده به دوش او بود و او ناچار می شود درس و مدرسه را رها کند. پرونده اش را از مدرسـه می گیرد و برای «مردشدن» به استخدام ارتش در می آید.

بـا پیشـروی داسـتان در خاطـرات قـره داغلو از ارتش، شـور انقلابی در مردم پدیدار می شود و نام امام خمینی(ره) برسـر زبانهـا می افتد. در این قسـمت از کتاب، صابر از نابسامان شدن اوضاع می گوید. مردم گاه و بیگاه به خیابان ها می ریختند و دور از چشم نیروهای شـهربانی و ژاندارمـری عکس امام خمینـی را به در و دیوار می‌چسـباندند. صابر سردرگم شـده بود. روزی از روضه خوانی که شـاه و دولت را به باد انتقاد می گرفت، پرسـید:«حاج آقا اگه فرداپس فردا دستم اسلحه دادن و گفتن برم مردم رو بزنم چی کار کنم؟» جوابش این بود که به سوی مردم تیراندازی نکند.

آنچـه در کتـاب «تلگرافچی پنج سـتاره» پررنگ شـده، روحیـه ی اعتراضی صاحب خاطرات اسـت. در ارتش معروف شده بود که «قره داغلو را نباید هل داد». سـتوان قره داغلو اگر نمی خواست کاری را انجام بدهد، انجام نمی داد. برای مثال در فصل دوازدهم، نویسنده از افسرنگهبان شدن قره داغلو می گوید و دردسرهایی که برای خودش درست می کند. آنجا هم دست از مخالفت با رژیم برنداشت و به یک زندانی سیاسی غذای گرم داد. نزدیک بود توبیخش کنند. شـانس با او یار بود و همان روزها شاه فرار کرد.

ایـن کتاب بیش از آنکه گویای تاریخ باشـد، بازگو کننده خاطرات یک انسان است. در پشت صحنه یکی از فصول پایانی کتاب، نیروهای عراقی درحال پیشـروی هسـتند و روی صحنه «صابر قـره داغلو» و هم رزمانش، کله پاچه بار می گذارند تا دلی از عزا درآورند. مسلم است کـه مبارزه ی یک فرد در زمینه انقلاب و جنگ تحمیلی موضوع اصلی این کتاب است. به همین دلیل به رویدادهای واقعی تنها اشاره می شود. همین باعث می شود که خواننده بیشتر با یک داستان مواجه باشد تا بازگویی وقایع تاریخی.

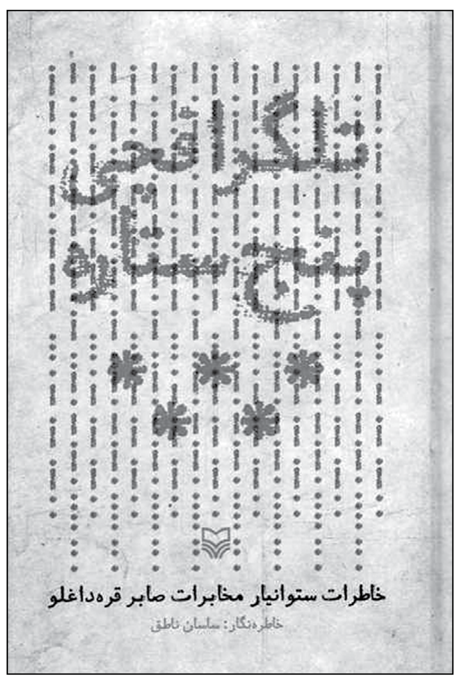

*** آنچه در کتاب «تلگرافچی پنج ستاره» پررنگ شده، روحیه ی اعتراضی صاحب خاطرات است. در ارتش معروف شده بود که «قره داغلو را نباید هل داد». ستوان قره داغلو اگر نمی خواست کاری را انجام بدهد، انجام نمی داد.**

*** گزیده متن:**

صفحه ۳۰۱:

-یه چیز خوب برات آوردم.

-چی؟

-بعدا بهت می گم.

باخودم گفتم: «حتما سوهان آورده.»

گروهبان اکبر اربابی تازه از مرخصی برگشـته بود و بچه ی قم بود. گفتم:«برو بیار ببینم چیه؟»

اربابی رفت و سـی چهل برگ کاغذ لوله شـده آورد. بازکردم، دیدم اعلامیه ی امام خمینی است. ماندم با آن‌ها چه کار کنم ... گروهبان ها وسـربازها یکی یکی آمدند و بعد از یک ساعت اعلامیه ها تمام شد.

آگهی مزایده عمومی (نوبت اول)

شـهرداری محمودآباد نمونه (اسـتان قزوین) در نظر دارد باستناد مجوز به شماره ۱۱۰۰/م/ش مورخ ۹۱/۶/۲۶ شـورای اسلامی شهر، نسـبت به واگذاری **فرهنگسرای امام رضا(ع) به صورت اجاره از طریق مزایده عمومی به شرکت‌های فرهنگی** و اشـخاص فرهنگی واجدالشرایط اقدام نماید. لذا متقاضیان می‌توانند طی مدت ۱۰ روز پس از درج آگهی نوبت دوم جهت دریافت اسناد مزایده به واحد مالی شهرداری مراجعه نمایند. ضمنا هزینه انتشار آگهی در روزنامه به عهده برنده مزایده می‌باشد و شهرداری در رد یا قبول پیشنهادات مختار می‌باشد.

علیرضا امامقلیان- شهردار محمودآباد نمونه

آگهی افراز قسمتی از پلاک ۴۸- اصلی بخش ۵ قزوین

در اجرای دسـتور وارده به شـماره ۱۰۲۳۸۵ مورخ ۸۷/۱۲/۱۴ ذیل دادخواسـت افراز و پیـرو آگهی دعوت به افراز منتشـره در روزنامه کار و کارگر به شـماره ۵۲۱۸ مورخ ۸۸/۲/۲۲ به اطلاع می‌رساند آقای محمد گل‌کرمی و خانم فرزانه گل‌سلخوری خواهان افراز سـهم مشـاعی خود از پلاک ۴۸- اصلی بخش ۵ قزوین را نموده‌اند که با توجه به عدم دسترسی آنها به سایر مالکین مشاعی از طریق آگهی دعوت به افراز فوق‌الذکر اقدام گردید که در روز تعیین شـده جهت بازدید در مورخ ۸۸/۲/۷ به محل وقوع ملک واقع در روستای همت‌آباد عزیمت و با معرفی خواهان‌ها نسبت به نقشه‌برداری اقدام گردید. سـپس صورت‌جلسـه معاینه محل تنظیم و طبق دستور ریاسـت محترم ثبت متبوعه نقشـه ترسـیمی که بر اثر عبور راه عمومی از مورد درخواست به دو قطعه مجزا تقسیم شده بود به پیوست نامه‌های شماره ۱۲۶/۲۶۸۶ مورخ ۹۲/۱/۲۷ و ۱۲۶/۱۰۴۹۱ مورخ ۹۲/۳/۴ جهت پرسـش از مدیریت امور اراضی در خصوص افراز به اداره مذکور ارسال و اداره مذکور طی جوابیه‌های شماره ۱۰/۳۳۲ مورخ ۹۲/۲/۱۶ و ۱۰/۸۱۳ مورخ ۹۲/۳/۴ موافقت خود را با افراز به دو قطعه مفروزی اعلام نموده و نقشـه ارسـالی را تائید کرد لذا، ابتدا وضعیت ثبتی و سپس حدود و مشخصات قطعه افرازی ذیلا ذکر می‌گردد:

سـند ششـدانگ پلاک ۴۸- اصلی بخش ۵ قزوین ذیل ثبت صفحـات ۵۷ و ۶۱ و ۶۵ همگـی دفتـر جلد یک صادر و سـپس در اجرای قانون و مقـررات اصلاحات ارضی به زارعین صاحب نسق واگذار گردیده که از جمله آنان طبق سند انتقال قطعی به شماره ۸۶۹۵۴ مورخ ۷۸/۹/۲۲ دفتر خانه شماره ۳ قزوین مقدار ۷۲۰۰ سهم مشاع از دویست و پنجاه هزار سـهم از دو جفت از چهل جفت ششـدانگ پلاک مرقوم ۴۸ـ اصلی بخش ۵ به آقای محمد گل‌کرمی و خانم فرزانه گل‌سلخوری انتقال قطعی یافته است و دارای پروانه تاسـیس به شماره ۳/ت مورخ ۷۷/۱/۸ در خصوص تغییر کاربری از مدیریت امور اراضی قزوین می‌باشد.

حدود و مشخصات قطعات افرازی:

قطعه افرازی غربی:

ششـدانگ یک باب مرغداری به مسـاحت ۳۸۵۱/۷۹ مترمربع با حدود اربعه شمالا به طول ۹۱/۸۹ متر دیواریسـت به باقیمانده، شرقا اول به طول ۲۴/۱۸ متر دیواریست به راه عبور دوم به طول ۱۵/۴ متردرب و دیواریسـت به راه عبور، جنوبا به طول ۱۱۸/۱۷ متر دیواریسـت به باقیمانده، غربا به طول ۴۵ متر دیواریست به پلاک ۹۰ فرعی که در این حد راه عبور برای مرغداری تعیین شده است.

حدود و مشخصات قطعه افرازی شرقی:

ششـدانگ یک قطعه زمین با انباری دامداری و تاسیسـات به مساحت ۳۳۴۸/۲۱ متر مربع با حدود اربعه شـمالا به طول ۴۵/۳۵ متر مرزیسـت به حریم جاده شرقا به طول ۷۹/۵ متر مرزیست به حریم جاده، جنوبا به طول ۷۶/۵ متر مرزیست به باقیمانده، غربا اول به طول ۴۰/۹۹ متر ورودی ملک می‌باشـد دوم به طول ۳۱/۲ متر مرزیسـت به راه عبور. لذا، از کلیه کسـانی که نامشـان در آگهی دعوت به افراز قید گردیده و همچنین کلیه کسانی که به هر نحوی خود را در پلاک فوق ذینفع می‌دانند دعوت می‌شود طبق ماده ۱۷ مفاد اسـناد رسـمی لازم‌الاجرا ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ این آگهی چنانچه اعتراض دارند به دادگاه صالحه مراجعه و رسید دریافت دارند بدیهی است به اعتراضاتی کـه خارج از مهلت قانونی فوق واصل شـود ترتیب اثر داده نخواهد شـد ضمنا کروکی نقشه‌افرازی ذیلا چاپ و منتشر گردیده است.

حسن غلامحسینی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قزوین

آگهی کاهش سرمایه شرکت قند شکرشکن میبد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۷۴۹

بنا بـر تفویض اختیـار مجمع عمومـی فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۰/۲۰ هیئت‌مدیره مورخ ۹۱/۸/۱۵ سـرمایه شرکت مبلـغ ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال از طریـق اجرای ماده ۱۸۹ لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت کاهش یافته ماده ۵ اساسنامه شرکت به شرح ذیل اصلاح گردید:

مـاده ۵) سـرمایه شـرکت مبلـغ ۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰ سهم با نام ۷۵۰/۰۰۰ ریالی می‌باشد.

کفیل ثبت میبد- بیکی

«آگهی حق تقدم شرکت کار محوران ماموت (سهامی خاص)»

طبق مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت فوق به شماره ثبت ۴۲۳۵۸۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۵۹۷۰۹ مورخ ۱۳۹۲/۴/۱۱ مبنی بر افزایش سـرمایه از ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال به ۶,۰۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال منقسم به ۲۰۲,۰۰۰,۰۰۰ سـهم ۳۰ ریالی از محل مطالبات نقدی حال شـده اشـخاص از شـرکت و تفویض اختیار عملی نمودن آن به هیئت مدیره، کلیه سـهامداران شرکت می‌توانند از تاریخ نشر این آگهی به مدت ۶۰ روز از حق‌تقدم خود در خرید سـهام جدید به نسـبت سهامی که در شرکت مالکند، استفاده نمایند. ضمنا پس از انقضاء مهلت فوق، هیئت مدیره می‌تواند سهام باقیمانده را به سایر متقاضیان واگذار نماید.

هیئت مدیره

آگهی تصمیمات شرکت پژوهشی مهندسی پیشرو تولید صنعت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۰۹۴۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۳۹۷۶۲

طبق صورتجلسـه مجمع عمومی عادی بطـور فوق‌العاده مورخ ۹۱/۱۰/۱۶ شـرکت مزبور کـه در تاریخ ۹۱/۱۱/۴ واصـل گردیـد: موسسـه حسابرسـی و خدمـات مالـی کوشـامنش به ش م ۱۰۱۰۰۴۳۴۱۱۰ به سـمت بازرس اصلی و احمد موسـوی به ک م ۳۹۳۲۶۲۹۸۶۸ به سمت بازرس علی‌البدل برای مدت یک سـال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار کیهان جهت درج آگهی‌های شرکت تعییـن گردید. اعضـاء هیئت مدیره به مدت ۲ سـال به قـرار ذیل انتخاب گردیدند: علی‌اصغـر احمدی خلیلی به ک م ۰۰۳۹۶۸۰۰۰۲ صـادق احمـدی خلیلـی به ک م ۰۰۷۲۷۶۳۸۷۶ زهـرا مسـگرا بـه ک م ۰۰۴۰۹۱۵۹۲۱ بموجـب صورتجلسـه هیئت مدیـره مـورخ ۹۱/۱۰/۱۶ علی‌اصغـر احمدی خلیلی به سـمت رئیس هیئت مدیره، صادق احمدی خلیلی به سمت نایب رئیس هیئت مدیره، زهرا مسـگرا به سـمت مدیر عامل تعیین گردیدند. امضاء کلیه اوراق و اسـناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات با امضـاء دو نفر از آقایان علی اصغر احمدی خلیلی و صادق احمـدی خلیلـی همراه با مهـر شـرکت و اوراق عادی و مراسلات و نامه‌های اداری با امضاء رئیس هیئت مدیره یا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

اداره ثبت شرکتها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

آگهی انتقال سهام

بـه اسـتناد نامه‌هـای شماره ۹۲۰۱۶۴/ج ن مـورخ ۱۳۹۲/۳/۸ و ۹۲۰۱۶۴/ج ن مورخ ۱۳۹۲/۴/۲ دادیار محترم شـعبه ششـم اجرای احکام دادسـرای عمومی و انقلاب ارومیه و مسـتندا به دادنامه شماره ۸۲۰۰۰۱ مورخ ۱۳۹۲/۳/۶ سرپرست اجرای احکام دادسرای کارکنان دولت در شـرکت سـهامی خاص صنایع شـیمیایی غرب به شـماره ثبت ۹۵۱ و شـناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۴۱۱۹۹ کلیه ۱۱۸۴ (یکهزار و یکصد و هشـتاد و چهار) سـهم ده هزار ریالی با نام آقای حسین ثقفی‌فر به آقای محمد محمدی حکیمی رضائی انتقال یافت.

مسئول ثبت شرکت‌های ارومیه- مریم حسین دوستی

زن روز

اولین نشریه مخصوص بانوان
با مطالب متنوع و خواندنی شنبه‌ها
بصورت سراسری منتشر می‌گردد

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تولیدی و صنعتی مشهد نخ (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۳۱۷۵ مشهد

مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تولیدی و صنعتی مشهدنخ (سهامی خاص) در سـاعت ۱۰/۰۰ صبـح روز شـنبه ۱۳۹۲/۴/۲۹ در محل شـعبه شـرکت واقع در تهران- میدان ونک- خیابان ونک- شـماره ۵۲ تشـکیل می‌گردد. لذا از کلیه سـهامداران دعوت می‌شود جهت تصمیم‌گیری در مجمع مذکور حضور به هم رسانند.

دستورجلسه:

۱-افزایش سرمایه شرکت

۲- سـایر موارد مرتبط بـا وظایف مجمع عمومـی فوق‌العاده صاحبان سهام

هیئت مدیره شرکت تولیدی و صنعتی مشهد نخ (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تولیدی و صنعتی مشهد نخ (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۳۱۷۵ مشهد

مجمع عمومی عادی سـالیانه شـرکت تولیدی و صنعتی مشهدنخ (سهامی خاص) در سـاعت ۸:۳۰ صبح روز شنبه ۱۳۹۲/۴/۲۹ در محل شعبه شرکت واقـع در تهران- میدان ونک- خیابان ونک- شـماره ۵۲ تشـکیل می‌گردد. لذا از کلیه سـهامداران دعوت می‌شود جهت تصمیم‌گیری در مجمع مذکور حضور به هم رسانند.

دستورجلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی شرکت

۲- بررسـی و تصویب ترازنامه و حسـاب سـود و زیان عملکـرد منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰

۳- تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۴- تعیین بازرس

۵- سایر موارد مرتبط با وظایف مجمع عمومی سالیانه صاحبان سهام

هیئت مدیره شرکت تولیدی و صنعتی مشهد نخ (سهامی خاص)

«آگهی مناقصه عمومی»

نوبت دوم

شـرکت سهامی کشـاورزی و دامپروری سفیدرود رشـت در نظر دارد **حدود ۳۵۰ تن یونجه چین دوم مرغوب** مورد نیاز خود را از طریق مناقصه عمومی با شـرایط حمل کل محموله به محل گاوداری‌های شرکت سفیدرود ظرف مدت حداکثر ۲۵ روز اقدام نماید.

متقاضیان محترم می‌توانند پس از رویت این آگهی با مراجعه به دفتر مرکزی شرکت واقع در: رشت- میدان گیل، واحد بازرگانی، ضمن دریافت فرم شرایط مناقصه، قیمت پیشنهادی خود را حداکثر تا پایان وقت اداری مورخ ۹۲/۴/۲۹ در پاکت سربسـته و لاک و مهر شـده به دبیرخانه شـرکت تحویل و رسـید دریافت دارند.

تاریـخ برگزاری مناقصه سـاعت ۱۱ مورخ ۹۲/۴/۳۰ خواهد بـود. متقاضیان محتـرم بـرای کسـب اطلاعـات بیشـتر می‌تواننـد بـا شـماره تلفن‌های **۶۶۰۵۶۶۴** و **۰۱۳۱-۶۶۶۳۰۹۱** تماس حاصل نمایند.

شرکت سهامی کشاورزی و دامپروری سفیدرود

آگهی تغییرات شرکت پرتو گستر پرنیان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۰۷۳۳

به اسـتناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:

محل شـرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس شـهر تهران- فلکه اول تهرانپارس- خ گلبرگ شـرقی- بین خ رشـید و باقری- برج سـبز- پ ۱۳۰- بلوک ای- ط ۲- واحد ۱۲ کدپستی۱۶۵۱۷۳۴۹۴۷ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید.

در تاریخ ۱۳۹۲/۱/۲۷ ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری ثبت و مورد تایید و امضاء قرار گرفت.

اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری
واحد ثبتی تهران

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت تولیدی و صنعتی شادیلون (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۳۱۳۸ مشهد

مجمـع عمومـی فوق‌العاده شـرکت تولیـدی و صنعتی شـادیلون (سـهامی خاص) در ساعت ۱۹/۰۰روز شـنبه ۱۳۹۲/۴/۲۹ در محل شـعبه شـرکت واقع در تهران- میدان ونک- خیابان ونک- شـماره ۵۲ تشـکیل می‌گردد. لذا از کلیه سـهامداران دعوت می‌شود جهت تصمیم‌گیری در مجمع مذکور حضور به هم رسانند.

دستورجلسه:

۱-افزایش سرمایه شرکت

۲- سـایر موارد مرتبط بـا وظایف مجمع عمومـی فوق‌العاده صاحبان سهام

هیئت مدیره شرکت تولیدی و صنعتی شادیلون (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تولیدی و صنعتی شادیلون (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۳۱۳۸ مشهد

مجمـع عمومـی عـادی سـالیانه شـرکت تولیـدی و صنعتی شـادیلون (سـهامی‌خاص) در سـاعت ۱۷/۰۰ روز شـنبه ۱۳۹۲/۴/۲۹ در محل شعبه شـرکت واقـع در تهران- میدان ونک- خیابان ونک- شـماره ۵۲ تشـکیل می‌گـردد. لذا از کلیه سـهامداران دعوت می‌شـود جهـت تصمیم‌گیری در مجمع مذکور حضور به هم رسانند.

دستورجلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی شرکت

۲- بررسـی و تصویب ترازنامه و حسـاب سـود و زیان عملکـرد منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰

۳- تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۴- تعیین بازرس

۵- تعیین هیئت مدیره

۶- سایر موارد مرتبط با وظایف مجمع عمومی سالیانه صاحبان سهام

هیئت مدیره شرکت تولیدی و صنعتی شادیلون (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت نوبافت شادیلون (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۴۱۶۶ مشهد

مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت نوبافت شادیلون (سهامی خاص) در سـاعت ۱۴/۰۰ روز شـنبه ۱۳۹۲/۴/۲۹ در محل شعبه شرکت واقع در تهران- میدان ونک- خیابان ونک- شـماره ۵۲ تشکیل می‌گردد. لذا از کلیه سـهامداران دعوت می‌شود جهت تصمیم‌گیری در مجمع مذکور حضور به هم رسانند.

دستورجلسه:

۱-افزایش سرمایه شرکت

۲- سـایر موارد مرتبط بـا وظایف مجمع عمومـی فوق‌العاده صاحبان سهام

هیئت مدیره شرکت نوبافت شادیلون (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت نوبافت شادیلون (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۴۱۶۶ مشهد

مجمع عمومی عادی سـالیانه شـرکت نوبافت شـادیلون (سـهامی خاص) در سـاعت ۱۲/۰۰ روز شـنبه ۱۳۹۲/۴/۲۹ در محل شـعبه شرکت واقع در تهران- میدان ونک- خیابان ونک- شـماره ۵۲ تشکیل می‌گردد. لذا از کلیه سـهامداران دعوت می‌شـود جهت تصمیم‌گیری در مجمع مذکور حضور به هم رسانند.

دستورجلسه:

۱- استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی شرکت

۲- بررسـی و تصویب ترازنامه و حسـاب سـود و زیان عملکـرد منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰

۳- تعیین روزنامه کثیرالانتشار

۴- تعیین بازرس

۵- تعیین هیئت مدیره

۶- سایر موارد مرتبط با وظایف مجمع عمومی سالیانه صاحبان سهام

هیئت مدیره شرکت نوبافت شادیلون (سهامی خاص)

شرایط و فرم تقاضای اشتراک نشریات کیهان در خارج از کشور

موسسه کیهان در راستای ارائه خدمات فرهنگی جهت هموطنان به ویژه دانشجویان ایرانی خارج از کشور، نرخ اشتراک نشریات خود را به شرح ذیل اعلام می‌دارد. در صورت تمایل به اشتراک و یا تمدید می‌توانید براساس این فرم، مبلغ اشتراک را به **حساب ۰۱۰۶۷۱۳۵۹۵۰۰۹ (سیبا)** بانک ملی شعبه سعدی جنوبی کد ۶۹ به نام حسین شریعتمداری (موسسه کیهان) واریز نموده و اصل فیش بانکی را به همراه فرم تکمیل شده با پست سفارشی به **صندوق پستی ۱۱۳۶۵/۳۶۳۱** واحد آبونمان روابط بین‌الملل ارسال فرمائید.

بهای اشتراک ریالی نشریات ارسالی به خارج از کشور «دوره یکساله»

نشریات	دوره انتشار	آسیا آسیای میانه		اروپا		آمریکا- کانادا- ژاپن آفریقا- اقیانوسیه	
		عادی	سفارشی	عادی	سفارشی	عادی	سفارشی
کیهان فارسی	روزانه	۶/۹۰۷/۵۰۰	۱۱/۰۶۷/۵۰۰	۸/۳۹۷/۵۰۰	۱۲/۵۳۵/۰۰۰	۱۱/۷۱۰/۰۰۰	۱۵/۶۳۰/۰۰۰
کیهان انگلیسی	روزانه	۶/۹۰۷/۵۰۰	۱۱/۰۶۷/۵۰۰	۸/۳۹۷/۵۰۰	۱۲/۵۳۵/۰۰۰	۱۱/۷۱۰/۰۰۰	۱۵/۶۳۰/۰۰۰
کیهان عربی	روزانه	۶/۹۰۷/۵۰۰	۱۱/۰۶۷/۵۰۰	۸/۳۹۷/۵۰۰	۱۲/۵۳۵/۰۰۰	۱۱/۷۱۰/۰۰۰	۱۵/۶۳۰/۰۰۰
مجله زن روز	هفتگی	۳/۷۰۰/۰۰۰	۶/۱۶۰/۰۰۰	۴/۵۸۰/۰۰۰	۷/۰۳۰/۰۰۰	۶/۵۴۰/۰۰۰	۸/۸۶۰/۰۰۰
کیهان ورزشی	هفتگی	۳/۷۰۰/۰۰۰	۶/۱۶۰/۰۰۰	۴/۵۸۰/۰۰۰	۷/۰۳۰/۰۰۰	۶/۵۴۰/۰۰۰	۸/۸۶۰/۰۰۰
کیهان بچه‌ها	هفتگی	۳/۴۵۰/۰۰۰	۵/۹۱۰/۰۰۰	۴/۳۳۰/۰۰۰	۶/۷۸۰/۰۰۰	۶/۲۹۰/۰۰۰	۸/۶۱۰/۰۰۰
کیهان فرهنگی	دوماهانه	۵۳۴/۰۰۰	۸۲۹/۲۰۰	۶۳۹/۶۰۰	۹۳۳/۶۰۰	۸۷۴/۸۰۰	۱/۱۵۳/۲۰۰

توضیحات

۱ـ آدرس مشترک را با حروف بزرگ لاتین، بصورت کامل و خوانا مرقوم فرمائید.

۲- یک نسخه از کپی فیش بانکی و قبض سفارشی را تا پایان مدت اشتراک حتما نزد خود نگهداری فرمائید.

۳- مجموعه روزنامه‌های کیهان فارسی، کیهان انگلیسی و کیهان عربی در طول هفته در یک روز ارسال می‌شود.

۴- ارسال از طریق پست عادی قابل پیگیری نیست و موسسه هیچگونه مسئولیتی در تاخیر یا عدم تحویل آن ندارد.

مشخصات مشترک:

Name:.................................

Address :.................................

مشخصات متقاضی:

نام و نام خانوادگی: .... مبلغ پرداختی: .... نشریه .... به مدت: .... ماه کدپستی: ....

تلفن ثابت: .... تلفن همراه: .... پست الکترونیکی ....

آدرس پستی: ....

واحد آبونمان

روابط بین‌الملل موسسه کیهان

تلفن: ۰۲۱۳۳۹۱۳۲۳۸ نمابر: ۰۲۱۳۳۹۱۰۹۲۲ پست الکترونیکی: int-affairs @ kayhannews.ir سامانه پیام کوتاه: ۳۰۰۰۱۲۲۰۱۲۱۲۸۴